

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه‌شناسی متعالیه

هستی‌شناسی حیات‌های اجتماعی
بر مبنای فلسفه و عرفان اسلامی

جلد اول

ابراهیم خانی

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹
E-mail: isu.press@yahoo.com
www.ketabesadiq.ir: فروشگاه اینترنتی



دانشگاه امام صادق



جامعه‌شناسی متعالیه: هستی‌شناسی حیات‌های اجتماعی بر مبنای فلسفه و عرفان اسلامی ■ تألیف: ابراهیم خانی
به اهتمام مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) - مرکز رشد
چاپ اول: ۱۳۹۵ ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: پرتو ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۱۲-۳

قیمت: ۱۸۰/۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: خانی، ابراهیم، ۱۳۶۷-
عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی متعالیه: هستی‌شناسی حیات‌های
اجتماعی بر مبنای فلسفه و عرفان اسلامی / تألیف: ابراهیم خانی؛ به اهتمام
مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع).
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ج ۱: ۳۱۷ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۱۲-۳
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)، مرکز رشد
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۱۵۸۱۹



تقدیر بع حضرت ابا الحسن علی بن موسیٰ الرضا علیہ آلاف تحیّ و
الثناء عالم آل محمد صلوات اللّٰہ علیہم اجمعین

به امید آن که به کرمشان سلیمان وار، ران ملخی را از موری پذیرند و از دریای
بی پایان علومشان، سیر امان نمایند که:

یا ایُّها العزیز مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِنْنَا بِبِضْعَةٍ مُّزَجَّنَةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ
وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ



فهرست مطالب

سخن مرکز رشد | ۱۵

مقدمه | ۱۹

۱. چستی و معنای «جامعه‌شناسی متعالیه» | ۱۹
۲. نسبت جامعه‌شناسی متعالیه با سایر مکاتب جامعه‌شناسی | ۲۶
۳. جامعه‌شناسی متعالیه در تراز و افق اندیشه امام خمینی رحمته‌الله | ۳۰
۴. اشراق انسان‌شناسی قرآنی در جامعه‌شناسی متعالیه | ۳۲
۵. نسبت فلسفه و عرفان اسلامی در این پژوهش | ۳۳

فصل اول: انسان‌شناسی توحیدی مبنای جامعه‌شناسی متعالیه | ۳۹

۱،۱. مقدمه | ۴۱

- ۲،۱. ماجرای هبوط انسان: حلقه اتصال انسان ایده‌آل با انسان متعارف | ۴۲
- ۳،۱. تبلور حقیقت و مراحل خلقت انسان در ماجرای هبوط حضرت آدم علیه‌السلام | ۴۴
- ۴،۱. ماجرای تعلیم اسماء به حضرت آدم علیه‌السلام و نسبت آن با مقام خلافت انسان | ۴۵
- ۵،۱. همخوانی نگاه عرفان اسلامی به حقیقت انسان با ماجرای تعلیم اسماء الهی | ۴۷
- ۶،۱. نسبت خلافت ارضی انسان با مقام خلافت مطلق الهی | ۵۰
- ۷،۱. نسبت تمامی انسان‌ها با ماجرای تعلیم اسماء الهی | ۵۵
- ۸،۱. تبیین فطرت الله و هماهنگی آن با ماجرای تعلیم اسماء | ۵۶

- ❁ ۹,۱. حقیقت شجره‌ی ممنوعه و علت فریب خوردن حضرت آدم (علیه السلام) توسط ابلیس | ۵۹
- ❁ ۱۰,۱. عهد میثاق و نسبت فراموشی آن با هبوط به حیات زمینی | ۶۲
- ❁ ۱۱,۱. هبوط دوم و نسبت آن با حیات اجتماعی | ۶۴
- ❁ ۱۳,۱. هبوط سلامی و هبوط غیرسلامی | ۶۷
- ❁ ۱۴,۱. الحیاة الدنیا حاصل حیات اجتماعی در بستر هبوط غیرسلامی | ۶۸
- ❁ ۱۵,۱. تدریجی بودن مراحل هبوط در فرد و اجتماع انسانی | ۶۹
- ❁ ۱,۱۵,۱. مراحل تدریجی هبوط در فرد انسان‌ها | ۷۰
- ❁ ۲,۱۵,۱. مراحل تدریجی هبوط در بستر حیات اجتماعی | ۷۲
- ❁ ۱۶,۱. حیات اجتماعی مقدمه فعلیت و ظهور تامّ مقام خلافت الهی انسان | ۷۴
- ❁ ۱۷,۱. حیات اجتماعی برآمده از هبوط سلامی: محل ظهور تفصیلی مقامات انسان
کامل | ۷۶

فصل دوم: هستی‌شناسی کارکرد اعتباریات در ساختار حیات

اجتماعی | ۷۹

- ❁ ۱,۲. مقدمه: حیات ارضی بستر ظهور تفصیلی اراده‌ها | ۸۱
- ❁ ۲,۲. تبیین فلسفی-عرفانی کارکرد اعتباریات در فعلیت بخشیدن به تعینات مختلف | ۸۱
- ❁ ۳,۲. هستی‌شناسی حداقلی و حداکثری اعتباریات | ۸۸
- ❁ ۴,۲. اعدادی بودن نقش اعتباریات و عدم منافات این نقش با نگاه توحیدی | ۹۲
- ❁ ۵,۲. ضرورت تحقق حیات اجتماعی برای کارآمدی نظام اعتبارات | ۹۴
- ❁ ۶,۲. اعتبارات اجتماعی تصنع روابط حقیقی عالم | ۹۵
- ❁ ۷,۲. اجتماع، اعتباری در قبال حقایق عالم | ۹۷
- ❁ ۸,۲. نسبت اعتباریت اجتماع با ساختار لغوی اجتماع | ۹۸
- ❁ ۹,۲. تفکیک میان اعتبارات ریشه‌ای و اغراض ریشه‌ای در شناخت هویت‌های
اجتماعی | ۹۹
- ❁ ۱۰,۲. رابطه طولی اراده‌ها و اعتبارات ناشی از آن در بستر حیات اجتماعی | ۱۰۰
- ❁ ۱۱,۲. تقلید و الگوبرداری لازمه اعتبارات حیات اجتماعی | ۱۰۱
- ❁ ۱۲,۲. نسبت کلی حیات اجتماعی با خودآگاهی | ۱۰۳

۱۳،۲ ❁ عدم کفایت تنظیم مناسب اعتبارات فردی و اجتماعی در دستیابی به غایات فردی و اجتماعی|۱۰۶

۱۴،۲ ❁ روش دو بعدی جامعه‌شناسی متعالیه در هستی‌شناسی جوامع مختلف|۱۰۹

۱۵،۲ ❁ تلازم نظام اعتباریات با عبودیت و شریعت|۱۱۰

۱،۱۵،۲ . نسبت دین اسلام با فطرت الله|۱۱۱

۲،۱۵،۲ . حنیف بودن دین اسلام و نسبت آن با فطرت الله|۱۱۲

۳،۱۵،۲ . تعین‌های مختلف حیات‌های اجتماعی مستعد ظهور اله حقیقی و یا الهه‌های دروغین|۱۱۳

۴،۱۵،۲ . ظهور ولایت حق و ولایت طاغوت در بستر تاریخ حیات‌های اجتماعی|۱۱۵

فصل سوم: تبیین فلسفی هویت اصیل حیات‌های اجتماعی|۱۱۷

۱،۳ ❁ مقدمه|۱۱۹

۲،۳ ❁ مبانی فلسفی مورد نیاز برای تبیین ابعاد اصیل جامعه|۱۲۰

۱،۲،۳ . اصالت وجود|۱۲۱

۲،۲،۳ . نحوه‌ی تفریع کلیت سعی بر اصالت وجود|۱۲۳

۳،۲،۳ . اتحاد عاقل و معقول|۱۲۵

۳،۳ ❁ تبیین اصالت وجود جامعه|۱۲۶

۱،۳،۳ . عدم اختصاص برهان فلسفی به جوامع توحیدی|۱۲۷

۲،۳،۳ . نقش کلیت سعی در هستی‌شناسی فرهنگ|۱۲۹

۴،۳ ❁ تبیین مقام وحدت و کثرت فرهنگ بر اساس مقام وحدت و کثرت نفس|۱۳۲

فصل چهارم: تبیین عرفانی هویت اصیل حیات‌های اجتماع|۱۳۹

۱،۴ ❁ مقدمه|۱۴۱

۲،۴ ❁ تبیین تمایز ادوار تاریخی بر اساس اسما الهی|۱۴۲

۳،۴ ❁ انحصار ظهور برخی از اسما الهی در حیات‌های اجتماعی|۱۴۳

۱،۳،۴ . عین ثابت باطن حیات اجتماعی|۱۴۳

۴،۴ ❁ نسبت ارواح کلیه با ارواح جزئی و نقش آن در اثبات حیثیت وجودی اجتماع|۱۴۴

۵،۴ ❁ محوریت معرفت انفسی در تحقق و تبیین اتحاد وجودی حیات‌های اجتماعی|۱۴۵

۱،۵،۴ . مقدمه|۱۴۵

- ۲,۵,۴. عوالم انسانی عرضی و طولی | ۱۴۶
- ۳,۵,۴. دامنه‌ی معرفت انفسی امامان حق و کفر: مدار اتحاد وجودی جوامع حق و باطل | ۱۴۸
- ۴,۵,۴. همخوانی معنای «تشیع» در مکتب امامیه با تبیین عرفانی از نسبت امام و امت | ۱۴۹
- ۵,۵,۴. شناخت تعین وجودی یک اجتماع از طریق شناخت تعین وجودی رهبر آن | ۱۵۰
- ❁ ۶,۴. تأثیر روح کلی حاکم بر اجتماع در تشدید آثار وجودی اجتماع | ۱۵۱
- ۱,۶,۴. تحقق عبادات جمعی و آثار تصاعدی آن | ۱۵۲
- ❁ ۷,۴. اعداد اعتبارات در تذکر و توجه به دارایی‌های وجودی | ۱۵۳
- ❁ ۸,۴. اعتباری بودن عوالم مادون در قیاس با اراده‌های کلان عالم آفرین | ۱۵۶

فصل پنجم: تبیین فلسفی هویت تمدن | ۱۵۹

- ❁ ۱,۵. مقدمه | ۱۶۱
- ❁ ۲,۵. نحوه‌ی وجود اعتبارات بعد از تحقق غایت آن‌ها | ۱۶۲
- ۱,۲,۵. تبدیل اعتباریات به اموری ضروری و حقیقی | ۱۶۴
- ❁ ۳,۵. جایگاه محوری اختیار در جامعه‌شناسی متعالیه | ۱۶۵
- ❁ ۴,۵. نسبت سه‌گانه‌ی اختیار، خودآگاهی و لایه‌های وجودی انسان | ۱۶۸
- ❁ ۵,۵. تبیین فلسفی حقیقت تمدن | ۱۷۱
- ۱,۵,۵. برهانی بر برتریت مطلق تمدن ایده‌آل اسلامی | ۱۷۳

فصل ششم: تبیین هستی‌شناسانه احکام عمومی حیات‌های اجتماعی | ۱۷۷

- ❁ ۱,۶. مقدمه | ۱۷۹
- ❁ ۲,۶. نقش نظام ماده و صورت در تبیین دو بعد مادی و فرامادی موجودات ارضی | ۱۸۰
- ❁ ۳,۶. ظهور صور به تناسب ماده‌ی مستعد آن | ۱۸۲
- ۱,۳,۶. بحث تطبیقی در مورد جامعه | ۱۸۲
- ۲,۳,۶. طرح یک شبهه و پاسخ به آن | ۱۸۳
- ❁ ۴,۶. نحوه‌ی اتحاد ماده و صورت | ۱۸۳
- ۱,۴,۶. بحث تطبیقی در مورد جامعه | ۱۸۴
- ❁ ۵,۶. شیئیت شیء به صورت آنست | ۱۸۶
- ۱,۵,۶. بحث تطبیقی در مورد اجتماع | ۱۸۷

- ۶,۶. حیات نفسانی و تدبیر صورت نسبت به ماده|۱۸۸
- ۱,۶,۶. بحث تطبیقی در مورد جامعه|۱۸۹
- ۲,۶,۶. طرح یک شبهه و پاسخ آن|۱۹۰
- ۷,۶. انقلاب در ذات و تحولات اجتماعی|۱۹۱
- ۸,۶. نحوه‌ی حدوث حیات اجتماعی و مقایسه آن با حدوث نفس|۱۹۲
- ۱,۸,۶. بحث تطبیقی در مورد اجتماع: الاجتماع الحقیقی، اعتباریة الحدوث و حقیقیة البقاء|۱۹۴
- ۲,۸,۶. تفاوت بنیادین حیات‌های اجتماعی از همان بدو شکل‌گیری|۱۹۵
- ۹,۶. عدم منافات ذات‌گرایی در حیات اجتماعی با اختیار و اراده‌ی افراد اجتماع|۱۹۷
- ۱۰,۶. تحقق انواع طولی و عرضی برای حیات‌های اجتماعی|۱۹۹
- ۱۱,۶. بررسی حیات نباتی و حیوانی جوامع به عنوان وجه مشترک حیات‌های اجتماعی|۲۰۱
- ۱۲,۶. ابعاد جمادی اجتماع|۲۰۲
- ۱۳,۶. حیات نباتی اجتماع|۲۰۴
- ۱,۱۳,۶. فراتر بودن نظام اجتماعی از یک ترکیب صناعی|۲۰۵
- ۱۴,۶. حیات حیوانی اجتماع|۲۰۶
- ۱,۱۴,۶. حاکمیت وهم بر حیات حیوانی|۲۰۸
- ۲,۱۴,۶. بحث تطبیقی در مورد اجتماع|۲۰۹
- ۳,۱۴,۶. تنوع ترکیبی ساحت حیوانی حیات‌های اجتماعی|۲۱۱
- ۴,۱۴,۶. مقایسه و ارزیابی تقسیم‌بندی فارابی از حیات‌های اجتماعی|۲۱۲
- ۱۵,۶. تفاوت بدن عنصری و بدن برزخی و مقایسه‌ی آن با حیات اجتماعی|۲۱۴
- ۱,۱۵,۶. بدن عنصری و طبیعی|۲۱۵
- ۲,۱۵,۶. بدن مثالی و برزخی|۲۱۶
- ۳,۱۵,۶. بدن برزخی تجلیگاه آثار شدید نفس|۲۱۷
- ۴,۱۵,۶. بحث تطبیقی در مورد اجتماع|۲۱۹
- ۵,۱۵,۶. تشدید تصاعدی آثار حیات اجتماعی با غلبه‌ی بدن برزخی حیات اجتماعی بر بدن عنصری آن|۲۲۰
- ۶,۱۵,۶. عدم امکان تقلیل حیات اجتماعی به نهادهای اجتماعی|۲۲۱

- ۷,۱۵,۶. عدم امکان تقلیل حیات فردی در ذیل حیات اجتماعی|۲۲۲
- ۸,۱۵,۶. مباحث تمدنی نگرشی توامان به بدن عنصری و بدن برزخی جوامع|۲۲۵
- ❁ ۱۶,۶. فصل اخیرهویت‌های اجتماعی مدار امتحانات و ابتلائات الهی در آن اجتماع|۲۲۶
- ❁ ۱۷,۶. تحقّق اخروی ابعاد باطنی حیات‌های اجتماعی|۲۲۸
- ۲,۱۷,۶. نقش تفکیک بدن عنصری از بدن مثالی اجتماع در تبیین حیات اخروی اجتماع|۲۳۴
- ۳,۱۷,۶. اشتداد وجودی کفار مبنای هویت جمعی حیات آن‌ها|۲۳۵
- ۴,۱۷,۶. تنگی سجن وجودی کفار در عین اشتداد وجودی آن‌ها|۲۳۵
- ❁ ۱۸,۶. تبیین هستی‌شناسانه‌ی جاذبه و دافعه در عرصه‌ی حیات اجتماعی|۲۳۷
- ❁ ۱۹,۶. تفاوت هویتی بیماری‌های حیات‌های اجتماعی گوناگون|۲۳۹
- ❁ ۲۰,۶. حیات اجتماعی برتر مستعد بیماری‌های پیچیده‌تر|۲۴۰

فصل هفتم: حیات شیطانی اجتماع|۲۴۳

- ❁ ۱,۷. مقدمه|۲۴۵
- ❁ ۲,۷. شناخت ذاتیات و لوازم ذات حیات شیطانی بر اساس جایگاه شیطان در ماجرای هبوط انسان|۲۴۶
- ۱,۲,۷. حجاب خودبینی فصل اخیر حیات شیطانی|۲۴۷
- ۳,۲,۷. ناامیدی از رحمت الهی و کینه‌توزی نسبت به دیگران دو شاخصه‌ی حیات شیطانی|۲۵۰
- ۴,۲,۷. تفکیک میان قوه‌ی واهمه و حیات شیطانی|۲۵۱
- ❁ ۳,۷. حربه‌ها و مجال‌های نفوذ حیات شیطانی در انسان|۲۵۲
- ۱,۳,۷. امکان بروز عجب و خودبینی در انسان علت نفوذ حیات شیطانی در او|۲۵۳
- ۲,۳,۷. بروز شرک و تغییر یافتن ملاک کرامت و بزرگی در حیات شیطانی|۲۵۵
- ۳,۳,۷. حیات شیطانی آشکار و پنهان به تبع شرک آشکار و پنهان|۲۵۷
- ۴,۳,۷. افراط و تفریط در کسب فضایل دو مجال نفوذ حیات شیطانی|۲۵۹
- ۱,۴,۳,۷. تقابل عقل و جهل و نه علم و جهل|۲۶۰
- ۲,۴,۳,۷. حقیقت عقل در حیطه‌ی معارف نظری|۲۶۲
- ۳,۴,۳,۷. حقیقت عقل در حیطه‌ی عمل|۲۶۳
- ۵,۳,۷. حسد نسبت به مقام ولایت: عمیق‌ترین راه بروز حیات شیطانی در انسان|۲۶۴

- ۶,۳,۷. زینت دادن حیات دنیوی | ۲۶۶
- ۱,۶,۳,۷. نقش قوه‌ی واهمه در زینت دادن حیات دنیوی و فراموشی قیامت توسط شیطان | ۲۶۷
- ۷,۳,۷. نحوه‌ی اتحاد وجودی شیطان با بشر و القاء وسوسه‌های درونی | ۲۷۱
- ۸,۳,۷. نسبت عهد ربوبی و عهد عدم پرستش شیطان | ۲۷۴
- ۴,۷. نقش حیات اجتماعی در فعلیت و رشد کامل حیات شیطانی در بستر تاریخ | ۲۷۵
- ۱,۴,۷. تبیین هستی‌شناسانه ولایت طاغوت | ۲۷۵
- ۲,۴,۷. نهایت فعلیت یافتن حیات شیطانی در بستر حیات اجتماعی بشر | ۲۷۶
- ۳,۴,۷. تحقیر هویت انسانی بشر در حیات شیطانی اجتماع | ۲۷۸
- ۴,۴,۷. اهمیت یافتن اعتبارات بدون پشتوانه‌ی حقایق در حیات شیطانی جوامع | ۲۷۹
- ۵,۴,۷. امور جایگزین برای قوام اعتبارات در حیات شیطانی | ۲۸۱
- ۶,۴,۷. سوء استفاده حیات شیطانی از انسان‌های تحقیر شده در راستای تحقق بیشتر اهداف خود | ۲۸۳
- ۸,۴,۷. سقف وجودی تمدن غرب: حیات حیوانی شیطانی جوامع | ۲۸۶
- ۱,۸,۴,۷. هماهنگی فرااعتباری اجزاء تمدن غرب: عامل اصلی موفقیت مقطعی مدیریت‌ها در این تمدن | ۲۹۱
- ۹,۴,۷. نفاق شاخصه حیات شیطانی جوامع دینی | ۲۹۲

در جلد دوم کتاب: معرفی رویکردهای کلان در بررسی حیات

انسانی اجتماع | ۲۹۷

- ۱,۸. مقدمه | ۲۹۹
- ۲,۸. محوریت تعریف نهایی انسانیت در تبیین حیات انسانی اجتماع | ۲۹۹
- ۱,۲,۸. تفاوت تعریف انسان در فلسفه و عرفان اسلامی | ۲۹۹
- ۲,۲,۸. معنای حیات انسانی اجتماع بر اساس هویت نهایی انسان | ۳۰۱
- ۳,۲,۸. مساوقت تمدن ولایی با حیات انسانی جامعه | ۳۰۲
- ۳,۸. تبیین علمی از جایگاه محوری مودت در دستیابی به تمدن ولایی | ۳۰۳
- ۴,۸. تبیین جایگاه وجودی تمدن ولایی بر اساس مبحث فناء افعالی در عرفان اسلامی | ۳۰۴

❁ ۵،۸. تبیین فراتمثیلی نسبت انسان کامل با تمدن ولایی در قالب نسبت روح و بدن | ۳۰۴

❁ ۶،۸. تبیین برکات تمدن ولایی به صورت نظام‌مند و براساس مبانی فلسفی و عرفانی

مطرح شده | ۳۰۵

❁ ۷،۸. تطبیق ابعاد وجودی تمدن ولایی با ابعادی از انقلاب اسلامی ایران و پیگیری

مبانی و لوازم آن | ۳۰۷

منابع | ۳۱۱

سخن مرکز رشد

بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌گذرد. این دانشگاه در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی‌دریغ مرحوم حضرت آیه الله مهدوی‌کنی رحمته الله تأسیس شد. اسلامیّت نظامی که به گونه‌ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف برداشتن برنامه‌ای برآمده از اسلام و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به مرور از درون تهی شده و به سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد، حرکت خواهد کرد. بیشترین چیزی که در سال‌های اول از این دانشگاه انتظار می‌رفت، تعلیم و تربیت دانش‌آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام با توشه‌ای که از خرمن عالم اخلاق، فقیه و اصولی کم‌نظیر، مرحوم حضرت آیه الله مهدوی‌کنی رحمته الله برچیده بودند و با تسلّطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند، در بخش‌های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدّی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند.

با گذشت زمان و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی شدت نیاز به نیروی انسانی قدری کاهش یافت و از سوی دیگر، نیاز به تولید علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنّت شدت گرفت. مرحوم حضرت آیه الله مهدوی‌کنی رحمته الله که در سیره علمی، عملی و مدیریتی خود، توجّه به «نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه مساعی خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به ویژه پس از دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق علیه السلام با مقام معظم رهبری دام ظلّه، وزن و اهمّیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیّت علمی اختصاص دادند.

آنان که دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد برآمده از انقلاب اسلامی بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در بین دانش‌آموختگان خود، افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند، اما این افراد، پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری دغدغه‌ها و به ثمر نشان دادن همت‌های خود نمی‌یابند. با اینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند و در پایان نامه‌های پژوهشی خود، ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌ها - اعم از علمی یا اجرایی - مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آنها تحمیل می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای دهه‌های قبل انقلاب اسلامی، چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم، اثربخش و موفق نبود و مرحوم حضرت آیه الله مهدوی‌کنی (رحمه الله) عمر خود را در ایجاد الگویی جدید صرف کرد؛ ثمردهی فرآیند تولید علم و مرجعیت علمی نیز با تبعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی ممکن نباشد. از سویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز و تأمل بر نیازهای علمی کشور و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب، راهی زمان‌بر، طولانی و پریپیچ‌وخم پیش رو دارند و از سوی دیگر، نظام اجرایی و علمی کشور که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی کپی‌برداری کرده است، به آماده‌خوری، هزینه نکردن و دم‌غنیمت‌شماری خو کرده است. از یک طرف، برای تولیدات و محصولات علوم انسانی اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه، تقاضایی وجود ندارد و از طرف دیگر، برای نیازهای پیچیده و باعجله کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه، تنی چند از فرزندان مرحوم حضرت آیه الله مهدوی‌کنی (رحمه الله) را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی - موسوم به مرکز رشد - گامی در مسیر حلّ این چالش بردارند. مرکز رشد، هم برای حلّ معضلات پیش‌گفته و هم به منظور ابتناء بر اندیشه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی و اجرا نماید که این مجمل مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی

جز تربیت، حفظ و معرفی «نظریه پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلامی سراغ ندارد، و این تربیت، حفظ و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا پروژه‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد.

آنچه پیش روی شماست یکی از اولین کتبی است که ثمره شروع این مسیر پربرکت است. در این کتاب کوشش شده است تا از گنجینه متراکم معارف الهی در حوزه فلسفه و عرفان اسلامی، برای تولید علوم انسانی اسلامی استفاده شود؛ و به طور خاص، رابطه این مبانی با شناخت اجتماع، که از مبادی اولیه علوم اجتماعی است، مورد بررسی قرار گیرد. نیت پژوهشگر این بوده است که با پرهیز از کلی‌گویی، به نحو تفصیلی و جزء به جزء، در تمامی مراحل «هستی‌شناسی حیات‌های اجتماعی»، «شناخت احکام عمومی و خاص آن»، و همچنین «ترسیم افق جامعه ایده‌آل و راه‌های دستیابی به آن»، از مبانی فلسفی و عرفانی حداکثر استفاده را بنماید و ظرفیت این مبانی را - که تا حدود زیادی در حوزه علوم اجتماعی مورد غفلت قرار گرفته است - آشکار نماید. امید آن داریم که این کوشش، از سویی سبب شود تا سایر اهالی حوزه فلسفه و عرفان، با جدیت بیشتری به مسائل و مبانی حوزه علوم اجتماعی ورود کنند و از سوی دیگر موجب شود تا شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی نیز با آشنایی از قوت بنیادها و مبانی اسلامی، بیشتر و بهتر از این شجره طیبه متنعم شوند.

مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام مشتاقانه منتظر نظرات و قضاوت‌های خوانندگان این مجموعه است تا بتواند آن‌ها را در حرکت‌ها و کوشش‌های بعدی، چراغ راه خود گرداند.



مقدمه

۱. چیستی و معنای «جامعه‌شناسی متعالیه»

شاید اولین سؤالی که در برخورد با این کتاب در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد چیستی و معنای «جامعه‌شناسی متعالیه» است. به خصوص از آنجا که میان جامعه‌شناسی، فلسفه و عرفان اسلامی، در عنوان، روش و محتوای این کتاب پیوند وثیقی برقرار شده است، طبیعتاً این سؤال پدید خواهد آمد که چه نسبتی میان جامعه‌شناسی و فلسفه و عرفان اسلامی می‌تواند وجود داشته باشد. شاید بسته به پیش‌زمینه‌های علمی مختلف مخاطبین، پیش‌داوری‌های متفاوتی نیز در این زمینه رخ دهد و حتی برخی این تلاش را تلاشی تصنعی در اتصال دو علم مختلف که ربطی با یکدیگر ندارند تلقی نمایند. به خصوص این‌که در علم جامعه‌شناسی متعارف، از قواعد متافیزیکی آن هم قواعد فلسفه و عرفان اسلامی هرگز استفاده نمی‌شود و حتی چنین استفاده‌هایی خلاف روش علمی تلقی می‌گردد. همچنین در میان اکثر فیلسوفان و حکیمان اسلامی نیز پرداختن تفصیلی به جامعه‌شناسی امری مرسوم نبوده است و به دلیلی که در ادامه ذکر می‌گردد اساساً تفاوت روش و موضوع این علوم اجازه‌ی اتصال و ارتباط زیادی را میان آن‌ها نمی‌داده است. به همین دلیل در مقدمه باید پیش از هر بحث دیگری نسبت صحیح و دقیق فلسفه و عرفان اسلامی با جامعه‌شناسی و نیاز جامعه‌شناسی به بهره‌بردن از قواعد متافیزیکی مشخص شود تا به تبع آن روشن شود که «جامعه‌شناسی متعالیه» یک اصطلاح دقیق علمی است که به نوعی خاص از جامعه‌شناسی قابل اطلاق است و جای خالی آن را هیچ‌گونه روش و متد دیگری در جامعه‌شناسی نمی‌تواند پر کند.

برای درک نسبت فلسفه و عرفان اسلامی با جامعه‌شناسی باید ابتدا به نحوی بنیادین نسبت موجودات حقیقی و موجودات اعتباری را دریافت. در این رابطه حکیمان اسلامی صراحتاً و یا تلویحاً در یک تقسیم‌بندی کلان موجودات را به موجود حقیقی و موجود اعتباری تقسیم‌بندی می‌کنند. منظور از موجود حقیقی، موجودی است که فارغ از درک مدرک و اعتبار او، در خارج تقرّر و ثبوت داشته باشد و در مقابل، موجود اعتباری موجودی است که وجود او وابسته به اعتبار و قرارداد مدرک است^۱ و با این تعریف تبعاً جامعه و لوازم متعدّد آن از قسم موجودات اعتباری خواهد بود. از سوی دیگر نیز تمامی تمرکز و علاقه علمی و عملی حکیمان اسلامی معطوف به موجودات حقیقی و شناخت حصولی و حضوری آنها است. به بیان دیگر حکیمان در همان ابتدای مسیر کسب دانش، معرفت را به حسب متعلق آن که موجود حقیقی و یا اعتباری باشد به دو قسم و دو راه مجزا تقسیم می‌نمایند و آنگاه با علاقه‌ای وافرو همتی استوار و نبوغ و دقتی مثال‌زدنی وارد مسیر معارف مربوط به موجودات حقیقی می‌شوند و از همان ابتدای راه، مسیر خود را از مسیر معرفت به موجودات اعتباری جدا می‌کنند. آنها حتی در پیمودن مسیر معارف حقیقی و فرا اعتباری نیز دائماً با گذر از لایه‌های سطحی عالم به لایه‌های عمیق‌تر آن دست می‌یابند و در هر مرتبه و مرحله مراتب مادون را نسبت به مراتب برتر، اعتباری و غیر حقیقی می‌یابند و در نتیجه شوق آنان در مسیر دستیابی به معرفت حقیقی‌ترین حقیقت یعنی حق تعالی افزون می‌گردد. حال در چنین وضعیتی که حکیمان اسلامی در تطور علمی و عملی خود دائماً از موجودات اعتباری فاصله می‌گیرند، هرگز نمی‌توان انتظار داشت تا آنان در حوزه‌ی مسائل نظری جامعه‌شناسی و سیاست ورودی جدی و قدرت‌مند داشته باشند و اگر هم به حسب نیاز زمانه و اقتضائات آن، گاه جهت ورود آنان به این عرصه تلاشی شود جز ثمراتی موضعی و نکاتی کلی در پی نخواهد داشت و هرگز از آن همه نظام‌سازی‌های با عظمت و عمیق و دقیق فلسفی و عرفانی در این حوزه بهره‌ای وافر حاصل نمی‌گردد.

اما شاید گفته شود که جز این هم انتظاری نباید باشد و در واقع نباید توقع داشت تا حکیم و عارف به مسائل نظری علوم اجتماعی و یا سیاسی ورود پیدا کند، بلکه حکیم و فیلسوف تنها باید مبانی و اصولی را اثبات و تبیین نماید که در علوم اجتماعی به عنوان پیش‌فرض

۱. طباطبایی، محمد حسین، الانسان و العقیده، بیروت: انتشارات نعمان، چاپ اول، ص ۲۰۵